

۱۷۹۹۵۸۳

نظریه محض حقوق و دولت

هانس کلسن

ترجمه

دکتر محمدحسین تمدنی جهرمی

تهران

۱۳۹۴

Kelsen, Hans

سرشناسه: کلزن، هانس، ۱۸۸۱-۱۹۷۳ م.
عنوان و نام پدیدآور: نظریه محض حقوق و دولت / هانس کلزن؛ ترجمه محمدحسین تمدن جهرمی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: یازده، ۳۶۷ ص.
فروست: «سمت»: ۱۹۲۸. حقوق: ۱۱۳ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۳۹. حقوق؛ ۳۳).
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۲۰۵۰۷-۷ ۱۳۰۰۰۰ ریال

The Pure Theory of Law & State.
General Theory of Law and State و
Théorie Pure du Droit.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: پشت جلد به انگلیسی:
یادداشت: این کتاب ترجمه بخشهایی از دو کتاب با عناوین

یادداشت: کتابنامه
موضوع: حقوق — فلسفه
موضوع: دولت
موضوع: حقوق بین‌الملل
موضوع: حقوق ما

شناسه افزوده: تمدن جهرمی، محمدحسین، ۱۳۰۴-۱۳۹۱، مترجم.
شناسه افزوده: ازمان، سمیه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
شناسه افزوده: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
رده‌بندی کنگره: K۲۰۵۰/۸۰۶۰۹۴
رده‌بندی دیویی: ۳۴۰/۱
شماره کتابشناسی ملی: ۶۳۷۷



این کتاب ترجمه بخشهایی از:

General Theory of Law and State: Hans Kelsen. Translated by Anders Wedberg. New York: Russell & Russell, 1961, c1945.
Théorie Pure du Droit, Hans Kelsen. Paris: Dalloz, c1962, 2e éd.

نظریه محض حقوق و دولت

نویسنده: هانس کلزن
مترجم: دکتر محمدحسین تمدن جهرمی
سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴
تعداد: ۱۰۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت
چاپ: یاران (قم)، صحافی: زرین (قم)
قیمت: ۱۳۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشنده‌گان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشران، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

قم: پردیسان، بولوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات): مراکز پخش: ۰۲۵۳۲۱۱۳۰۰، نمابر: ۰۲۵۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱.
تهران: خیابان انقلاب اسلامی، بین وصال و قدس، نبش کوی اسکو، تلفن: ۰۲۱۶۶۴۰۲۶۰۰.
تهران: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان ابوریحان، شماره ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۰۶۴۰۵۶۷۸، نمابر: ۰۶۴۰۵۶۷۸.
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir
www.samt.ac.ir info@samt.ac.ir

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاهها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفیت و کمیت منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی شصت و یکمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب «نظریه محض حقوق و دولت به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند».

این کتاب به عنوان اثر مبنایی برای دروس «فلسفه حقوق» و «حقوق عمومی در اسلام» رشته حقوق گرایش «حقوق عمومی و اسلام» برای همه مقاطع پیش‌بینی شده است و همچنین برای دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی مقطع کارشناسی درس حقوق اساسی و برای دانشجویان رشته اقتصاد مقطع کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان درس کمکی «اقتصاد بخش عمومی» و «اقتصاد و حقوق» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

پیشگفتار

بخش اول: حقوق

۱۱	فصل اول: نظام حقوقی در حالت سکون
۱۱	مبحث اول: مفهوم حقوق
۱۱	گفتار اول: حقوق و عدالت
۱۱	بند الف) رفتار ناشای به عنوان موضوع قواعد
۱۳	بند ب) تعریف علمی و تعریف سیاسی حقوق
۱۵	بند ج) مفهوم حقوق و اندیشه عدالت
۲۹	گفتار دوم: محک و معیار حقوق (- تقوی و توان تکنیک خاص اجتماعی)
۲۹	بند الف) انگیزه مستقیم و غیر مستقیم
۳۱	بند ب) ضمانت اجراهای و رای تجربی و ضمانت اجراهای اجتماعاً سازمان یافته
۳۳	بند ج) مجازات و پاداش
۳۴	بند د) حقوق به منزله یک نظم مبتنی بر اجبار
۳۶	بند ه) حقوق، اخلاق، مذهب
۳۸	بند و) انحصاری کردن کاربرد زور
۳۹	بند ز) حقوق و صلح
۴۱	بند ح) اجبار روانی
۴۲	بند ط) انگیزه‌های رفتار قانونی
۴۳	بند ی) دلالی که علیه تعریف حقوق به عنوان نظم اجباری اقامه می‌شود
۵۱	گفتار سوم: اعتبار و اثربخشی
۵۲	بند الف) «نرم»
۶۳	بند ب) نرم‌های عمومی و انفرادی
۶۵	بند ج) نرم‌های مشروط و غیر مشروط

- بند د) نرم و عمل ۶۵
- بند ه) اثربخشی به عنوان تطابق رفتار با نرم ۶۶
- بند و) رفتار «مخالف» با نرم ۶۸
- بند ز) اثربخشی به عنوان شرط اعتبار ۶۹
- بند ح) قلمرو اعتبار نرم‌ها ۷۰
- بند ط) قوانین عطف به ماسبق‌کننده و جهل به قانون ۷۳
- گفتار چهارم: نرم حقوقی ۷۴
- بند الف) نرم حقوقی و قاعده حقوق در معنی توصیفی ۷۴
- بند ب) قاعده حقوق و قانون طبیعت ۷۵
- بند ج) نرم حقوقی به منزله معیار و میزان ارزش‌گذاری ۷۸
- مبحث دوم: ضمانت اجرا ۸۲
- مبحث سوم: جرم ۸۴
- گفتار اول: «بندی با اات» و «بدهای منع‌شده» ۸۴
- گفتار دوم: جرم به عنوان شرط ضمانت اجرا ۸۶
- گفتار سوم: جرم به عنوان «تأثر فردی که ضمانت اجرا علیه او متوجه است» ۸۸
- گفتار چهارم: یکی دانستن مجرم با تضای گروهش ۹۱
- گفتار پنجم: جرم اشخاص حقوقی ۹۳
- مبحث چهارم: وظیفه حقوقی ۹۴
- گفتار اول: وظیفه و نرم ۹۴
- گفتار دوم: وظیفه و خطاب «باید» ۹۶
- گفتار سوم: نرم ثانوی ۹۸
- گفتار چهارم: اطاعت و کاربرد نرم حقوقی ۹۹
- گفتار پنجم: تمایزی که اوستین بین وظایف اولی و ثانوی قائل شده است ۱۰۰
- مبحث پنجم: مسئولیت حقوقی ۱۰۴
- گفتار اول: مجرمیت و مسئولیت مطلق ۱۰۴
- گفتار دوم: وظیفه و مسئولیت؛ مسئولیت فردی و جمعی ۱۰۸
- گفتار سوم: استنباط اوستین از مفهوم وظیفه ۱۱۳
- بند الف) هیچ تمایزی بین وظیفه و مسئولیت وجود ندارد ۱۱۳
- بند ب) وظیفه حقوقی، علاقه روان‌شناسی نیست ۱۱۳
- بند ج) وظیفه به عنوان ترس از ضمانت اجرا ۱۱۵
- بند د) مفهوم روان‌شناسی وظیفه و فلسفه حقوقی تحلیلی ۱۱۷

۱۱۸	مبحث ششم: حق قانونی
۱۱۸	گفتار اول: حق و وظیفه
۱۲۱	گفتار دوم: مجاز بودن
۱۲۲	گفتار سوم: حق قانونی در یک معنی محدود
۱۲۲	بند الف) حق به عنوان چیزی بیش از متناظر با یک وظیفه
۱۲۳	بند ب) حقوق و حق
۱۲۵	بند ج) حق به عنوان اراده‌ای که به رسمیت شناخته شده یا علاقه‌ای که ...
۱۲۷	بند د) حق به منزله امکان حقوقی به جریان انداختن ضمانت اجرا
۱۳۱	بند ه) حق و نمایندگی
۱۳۲	بند و) حق به منزله یک تکنیک حقوقی خاص
۱۳۴	بند ز) حق مطلق و سرنس
۱۳۶	بند ح) حق شرکت و ایجاد حقوق
۱۳۷	بند ط) حق‌های مدنی و اساسی
۱۴۰	مبحث هفتم: صلاحیت (اهدای حقوق)
۱۴۳	مبحث هشتم: اسناد (قابلیت اسناد)
۱۴۴	مبحث نهم: شخص حقوقی
۱۴۴	گفتار اول: ذات و صفت
۱۴۶	گفتار دوم: شخص فیزیکی
۱۴۶	بند الف) شخص فیزیکی و موجود انسانی
۱۴۸	بند ب) شخص فیزیکی: یک شخص قانونی
۱۴۹	گفتار سوم: شخص قانونی
۱۵۰	بند الف) شرکت
۱۵۱	بند ب) وظایف و حق‌های یک شخص قانونی به عنوان وظایف و حق‌های ...
۱۵۲	بند ج) آیین‌نامه‌های شرکت (نظم و انجمن)
۱۵۳	بند د) ارگان انجمن
۱۵۴	بند ه) اسناد به نظم
۱۵۴	بند و) شخص «حقوقی» به عنوان نظم تشخیص‌یافته
۱۵۵	بند ز) موظف ساختن اشخاص حقوقی و دادن اختیارات به آنها
۱۵۶	بند ح) مفهوم شخص حقوقی به عنوان مفهوم کمکی
۱۵۷	بند ط) وظایف و حق‌های یک شخص حقوقی: وظایف و حق‌های جمعی انسان‌ها

- ۱۶۰ بند ی) جرم مدنی شخص حقوقی
 ۱۶۱ بند ک) جرم جزایی یک شخص حقوقی
 ۱۶۵ بند ل) شخص حقوقی و نمایندگی
 ۱۶۷ بند م) شخص حقوقی به منزله موجود واقعی (ارگانیزم)
 ۱۶۸ بند ن) شرکت به عنوان «پیکر انسان‌ها»

فصل دوم: دینامیک حقوق

- ۱۷۰ مبدا دهم: نظم حقوقی
 ۱۷۰ گفتار اول: وحدت یک نظم نرماتیو
 ۱۷۰ بند الف) دلیل اعتبار: نرم اساسی
 ۱۷۳ بند ب) نظام استای نرم‌ها
 ۱۷۴ بند ج) نظام پویای نرم‌ها
 ۱۷۵ گفتار دوم: حقور به عنوان یک نظام پویای نرم‌ها
 ۱۷۵ بند الف) تحقق‌ی بودن حق
 ۱۷۶ بند ب) حقوق عرفی و حقوق رسمی
 ۱۷۷ گفتار سوم: نرم اساسی یک نظم حقوقی
 ۱۷۷ بند الف) نرم اساسی و قانون اساسی
 ۱۷۹ بند ب) عملکرد مشخص نرم اساسی
 ۱۸۰ بند ج) اصل مشروعیت
 ۱۸۲ بند د) تغییر نرم اساسی
 ۱۸۳ بند ه) اصل اثربخشی
 ۱۸۴ بند و) متروک شدن
 ۱۸۵ بند ز) «باید» و «هست»
 ۱۸۶ بند ح) حقوق و قدرت (حق و زور)
 ۱۸۷ بند ط) اصل اثربخشی به عنوان نرم تحقق‌ی حقوقی (حقوق بین‌الملل و حقوق ملی)
 ۱۸۸ بند ی) اعتبار و اثربخشی
 ۱۸۸ گفتار چهارم: مفهوم ایستا و پویای حقوق
 ۱۹۱ مبحث یازدهم: سلسله‌مراتب نرم‌ها
 ۱۹۱ گفتار اول: نرم مافوق و نرم مادون
 ۱۹۱ گفتار دوم: مراحل متفاوت نظم حقوقی

- بند الف) قانون اساسی ۱۹۱
- بند ب) نرم‌های عام که بر پایه قانون اساسی مقرر شده‌اند؛ قوانین موضوعه، حقوق عرفی ۱۹۸
- بند ج) حقوق ذاتی و صفتی ۱۹۸
- بند د) تعیین ارگان‌های به کاربرنده حقوق توسط نرم‌های عام ۲۰۰
- بند ه) آیین‌نامه‌ها (تصویب‌نامه‌ها) ۲۰۱
- بند و) «منابع» حقوق ۲۰۲
- بند ز) ایجاد حقوق و کاربرد حقوق ۲۰۳
- بند ح) نرم‌های خاص بر پایه نرم‌های عام ایجاد شده‌اند ۲۰۶
- گفتار سوم: معامنه حقوقی (عمل حقوقی) ۲۱۰
- بند الف) معامله حقوقی به منزله عمل ایجادکننده و به کاربرنده حقوق ۲۱۰
- بند ب) قرارداد ۲۱۶
- گفتار چهارم: اهیت حقوق اساسی ۲۱۹
- گفتار پنجم: رابطه بین حقوقی و نرم موجود قبلی که توسط این عمل حقوقی ... ۲۲۱
- بند الف) تعیین عمل حقوقی توسط حقوق صفتی یا شکلی ۲۲۱
- بند ب) تعیین عمل حقوقی توسط حقوق ذاتی ۲۲۲
- بند ج) اختیار دادگاه (قاضی به عنوان قانون‌گذار) ۲۲۲
- گفتار ششم: فضاهای خالی حقوق ۲۲۴
- بند الف) اندیشه «فضاهای خالی»: یک فرض و انحراف حقوقی ۲۲۴
- بند ب) منظور از فرض فضاهای خالی ۲۲۶
- گفتار هفتم: نرم‌های عام ایجادشده توسط اعمال قضایی ۲۲۸
- بند الف) سابقه‌های قضایی ۲۲۸
- بند ب) «حقوق تماماً حقوق قاضی ساخته است» ۲۲۹
- گفتار هشتم: تعارضات بین نرم‌های مراحل مختلف ۲۳۵
- بند الف) تطابق یا عدم تطابق بین تصمیم قضایی و نرم عامی که تصمیم‌برور ... ۲۳۵
- بند ب) تطابق یا عدم تطابق بین قانون مصوب و قانون اساسی ۲۳۸
- بند ج) تضمین قانون اساسی ۲۴۰
- بند د) قضیه محکوم بها (قوه قانونی) ۲۴۲
- بند ه) بطلان و قابلیت ابطال ۲۴۴
- بند و) تناقضی بین یک نرم مادون و یک نرم مافوق موجود نیست ۲۴۷
- مبحث دوازدهم: علم حقوق دستوری و علم حقوق جامعه‌شناسانه ۲۴۷

- گفتار اول: علم حقوق جامعه‌شناسانه تنها علم حقوق نیست ۲۴۷
- گفتار دوم: علم حقوق دستوری به عنوان علم تجربی و توصیفی حقوق ۲۴۹
- گفتار سوم: پیش‌بینی عملکرد حقوقی ۲۵۱
- بند الف) تمایزات. ه. هاكسلی بین «قانون انسان‌ها» و «قانون طبیعت» ۲۵۱
- بند ب) مفهوم علم حقوق به مثابه پیشگویی طبق بیان ا. و. هلمس و ب. ن. کاردوزو ۲۵۴
- گفتار چهارم: معنی مشخص یک بیان حقوقی ۲۵۶
- گفتار پنجم: وظیفه قانون‌گذاری قابل پیش‌بینی نیست ۲۵۶
- گفتار ششم: حقوق یک نظام اصول عقاید (قضایا) نیست ۲۵۷
- گفتار هفتم: تفاوت بین بیان‌های یک علم حقوق دستوری و یک علم حقوق جامعه‌شناسانه ۲۵۹
- گفتار هشتم: عناصر جامعه‌شناسانه در علم حقوق تحلیلی اوستین ۲۶۱
- گفتار نهم: قابلیت پیش‌بینی عملکرد حقوقی و اثربخشی نظم حقوقی ۲۶۲
- گفتار دهم: مناسباتی شرایط و احوال انفرادی ۲۶۵
- گفتار یازدهم: جامعه‌شناسی حقوق و جامعه‌شناسی عدالت ۲۶۵
- گفتار دوازدهم: مفهوم دستوری (نرماتیو) حقوق پیش‌فرض علم حقوق ... ۲۶۶
- بند الف) تفاوت بین مناسباتی و عمل غیر قانونی ۲۶۶
- بند ب) تعریف ماکس وبر: جامعه‌شناسی حقوق ۲۶۷
- بند ج) آمریت حقوقی و آمریت طبیعی ۲۶۸
- گفتار سیزدهم: موضوع جامعه‌شناسی حقوق: رفتار تعیین شده توسط نظم حقوقی ۲۷۱

بخش دوم: دولت

- فصل سوم: حقوق و دولت ۲۷۵
- اشکال حقوقی و اشکال سیاسی ۲۷۵
- حقوق عمومی و حقوق خصوصی ۲۷۷
- خصیلت ایدئولوژیک دوگانگی حقوق عمومی و حقوق خصوصی ۲۷۸
- دوگانگی سنتی دولت و حقوق ۲۸۲
- عملکرد ایدئولوژیک دوگانگی دولت و حقوق ۲۸۳
- همانندی دولت و حقوق ۲۸۴
- الف) دولت به عنوان نظم حقوقی ۲۸۴
- ب) دولت، به عنوان شخص حقوقی ۲۹۰
- ج) خود الزامی دولت - دولت حقوق ۳۲۲
- د) تمرکز و عدم تمرکز ۳۲۳

۳۳۱

نصل چهارم: دولت و حقوق بین الملل

۳۳۱

ماهیت حقوق بین الملل

۳۳۱

الف) طبیعت حقوقی حقوق بین الملل

۳۳۵

ب) خصلت ابتدایی حقوق بین الملل

۳۳۶

ج) هرم سلسله مراتبی حقوق بین الملل

۳۳۷

د) وظایف و اختیارات صرفاً با واسطه حقوق بین الملل

۳۴۳

حقوق بین الملل و حقوق دولتی

۳۴۳

الف) وحدت حقوق بین الملل و حقوق دولتی

۳۴۶

ب) فقدان عارض بین حقوق بین الملل و حقوق دولتی

۳۴۸

ج) رابطه دابل دو نظام نرم ها

۳۵۰

د) خصلت انتزاعی پذیر سازمان تک مبنایی

۳۶۰

ه) تفاوت های موجود بین دو ساختمان تک مبنایی

پیشگفتار

نوشته پیش رو ترجمه دو بخش از دو کتاب هانس کلسن (۱۸۸۱-۱۹۷۳) به نام‌های *General Theory of State and Law* و *Théorie pure du droit* است که از زبان‌های انگلیسی و فرانسه‌ای به فارسی برگردانده شده و با نام نظریه محض حقوق و دولت به زیور طبع درآمده است. به این مناسبت لازم است تا ضمن بیان مقدمه‌ای درباره مؤلف و مترجم کتاب که مردی از بزرگان حوزه‌های تحقیقاتی خویشتن بوده‌اند، توضیحاتی نیز درباره نحوه شکل‌گیری این اثر گران‌قدر ارائه شود.

در ایامی که دانشگاه‌های ایران بهت انقلاب فرهنگی به طور موقت تعطیل شده بودند (۱۳۵۸-۱۳۶۲)، اساتیدی بودند که همچنان فعالیت پژوهشی و آموزشی را با تمام توان تداوم می‌دادند. در این میان بهانه و مجبوری زود در پارک لاله تهران مرحوم دکتر نورعلی نوری که جهت ورزش صبحگاه با مرحوم استاد دکتر محمدحسین تمدن جهرمی همقدم بودند، پیشنهاد یک برنامه تحقیق و تدریس حقوق برای چند تن از طلاب پیشرفته در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه واقع در شهرستان قم را دادند. مرحوم استاد دکتر تمدن که علاوه بر دکترای اقتصاد، دکترای حقوق از دانشگاه تهران نیز داشت با این پیشنهاد موافقت کرد و هر هفته جهت این مهم برای حدوداً ۴ سال به قم سفر می‌کردند.

ایشان که منابع زیادی را در زمینه حقوق و علوم سیاسی ترجمه کرده بودند، برای تحقیق در باب فلسفه حقوق، بخش حقوق را از صفحه ۱ تا ۱۷۸ و بخش دولت را از صفحه ۳۷۰ تا ۴۴۹ دو کتاب مذکور انتخاب نموده، ضمن ترجمه دقیق متن، این دو بخش آن را برای طلاب تدریس می‌نمودند. در باب چرایی انتخاب این دو بخش نظر استاد بر این بود که این دو موضوع را کلسن به طور مبسوط‌تری در این

دو کتاب بیان داشته بود و لذا انتخاب شدند. با وجود این به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه این کار نوعی بسترسازی برای تهیه متون درسی علوم انسانی بود، به ضرورت فضای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که کشور دنبال طراحی نظام حقوقی جدید و دولت‌سازی بود نیز پاسخی درخور می‌داد. نکته جالبی که اینجانب از طلاب آن دوره به گوش خود شنیدم این بود که استاد تمدن برخلاف سایر اساتید مدعو هیچ‌گاه از حق‌التدریس و مسائل مادی سخنی به میان نمی‌آورد و با تمام وجود به امر تدریس می‌پرداختند.

این ترجمه چاپ نشده هرچند به دوران عضویت استاد در هیأت علمی دانشگاه اقتصاد و دانشکده تهران باز می‌گردد اما چنانچه دعوت دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ته‌تق‌نی یافت شاید خلق هم نمی‌گردید. با این حال تا دوره بازنشستگی نیز به علل گوناگونی این اراده شکل نگرفت تا با انتشار این اثر به ترویج بیشتر علم و دانش مخصوصاً در حوزه فلسفه حقوق و دولت کمکی صورت پذیرد. تا اینکه ایجاد ارتباط فی مابین با جاب‌سج‌الاسلام ابراهیمی که از جمله طلاب محقق آن دوره بود، زمینه‌ای فراهم آمد تا موافک استاد را با انتشار کتاب جلب نمایم.

در آخرین دیداری که اینجانب به مناسبت تشکر از زحمات استاد در دفاع از رساله دکتری خویش در آذرماه ۱۳۹۱ در منزل ایشان داشتم، استاد دستنویس کامل ترجمه را تحویل اینجانب دادند تا تطبیق دهم که متن چاپ شده دقیقاً مبنی بر آن دستنویس کامل باشد. اینجانب تمام مساعی خویش را به عمل آوردم تا این مأموریت را با دقت تمام به انجام رسانم. بی‌تردید چنانچه نکته‌ای در این مقابله‌خوانی از قلم افتاده باشد ناشی از قصور اینجانب است که به محض اطلاع در چاپ‌های بعدی ان‌شاءالله برطرف خواهد شد.

پس از این توضیحات که در خصوص نحوه شکل‌گیری اثر بیان شد لازم است تا مخصوصاً برای نسل‌های جدیدی که حضوراً توفیق درک محضر استاد دکتر تمدن را نداشته‌اند نکاتی بیان شود تا ضمن اینکه از مقام علم و عالم عامل تجلیل به عمل می‌آید، ره‌توشه‌ای نیز از این الگوی علم و اخلاق برگیریم. چرا که در شبی

تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل به سر برده و به بیان کنفوسیوس از طریق پیران شناخت مسائل جدید به ذهن ما خطور کرده و راهی به سوی سبک‌باری و ساحل‌ها گشوده خواهد شد.

تمدن که بود؟ چه کرد؟ چه می‌خواست؟ و چگونه تمدن شد و به فرزانگی رسید؟

ان‌شاءالله مباحث پیش رو گوشه‌ای از زوایای این پرسش‌ها را نمایان گردانند. تمدن در سال ۱۳۰۴ در یک خانواده جهرمی که به دو صفت منطقی بودن و تدبیر متصان بوده، متولد می‌شود و تحصیل را از مدرسه اسلامی جهرم با مدیریتی که به خوبی از آن با بهره‌مند شده، آغاز می‌کند. در سال ۱۳۲۰ دیپلم می‌گیرد و در ۱۳۲۱ وارد دانشگاه می‌شود و تا ۱۳۴۵ تحقیق و تحصیل را در مدرسه اقتصاد لندن ادامه می‌دهد. هوش و شتاب و محیط فرهنگی خانواده باعث شروع تحصیل از سال‌های پیش از سال متعارف به تمام آن تا آغاز مرگ گردیده و در تمام این مسیر سرآمد هم‌اوردهای خود بود. جسار و جسارت به سرابش می‌کرد باعث می‌شد تا در گیر عناوین نباشد و به دنبال گمشده‌هایش در مسیر دانش و تجربه در داخل و خارج بگردد.

پس چو حکمت ضاله مؤمن بود آن ره‌ر که بشنود موقن بود
حقیقت را فراتر از مصلحت قرار می‌داد حتی اگر در راه‌هایی فوق‌العاده سنگین داشته باشد (در جریان ملی شدن نفت از معدود افراد بود که از دولت ملی حمایتی تا سر حد اخراج از جریان چپ آن دوران از خود بروز داد).

حق شب قدرست در شب‌ها نهان تا کند جان هر شی را امتحان
در میان دلق‌پوشان یک فقیر امتحان کن و آنک حقست آن بگیر

علم و دانش هدف او بود و نه ابزاری که به واسطه آن به شهرت و ثروت و قدرت برسد، لذا سرمایه عمر و منابع مادی و ثروت خانوادگی خود را نیز در راه کسب علم و نشر دانش صرف نمود تا هم یک معلم عالی‌مقام و هم یک عالم اقتصادی کامل باشد. (ایجاد کتابخانه غنی شخصی که در انتها نیز به دست خود به

کتابخانه ملی ایران اهدا نمود و تأمین مالی فرصت‌های حقیقتاً مطالعاتی که زمینه به روز نگهداری علمی استاد را فراهم می‌نمود شواهدی در این باره می‌باشند.

با وجود اظهار نظر پیرامون مسائل خرد و کلان دانشگاه و جامعه، هیچ‌گاه دچار غیبت و نمایی نمی‌شد و معطل این مسائل نمی‌ماند و برنامه پژوهشی و آموزشی خود را به جد دنبال می‌نمود و حتی زمان‌هایی را که برای خیلی‌ها مرده محسوب می‌شوند زنده می‌کرد. الگویی عملی و ناصحی غیر زبانی در تشویق دانش‌ریزان و همکاران به علم‌اندوزی و رعایت اصول اخلاقی و نشر دانش بود. تعداد معدود رساله‌های راهنمایی شده ایشان محل تدقیق اهل دقت است. می‌آموخت و می‌آزراند و این مسیر را تداوم می‌داد. دکترای اقتصاد، دکترای حقوق، فوق لیسانس علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و روش‌شناسی علوم، روابط بین‌الملل، آمار و ریاضی، مدیریت و بررسی تطبیقی، رشته‌هایی است که در آنها مدارک دانشگاهی داشت.

شنوایی قوی‌تر از گویایی خود را، آخرین لحظات از دست نداد که فرمود «قل اذن خیر لکم».

خود را سانسور نمی‌کرد، چه در مسائل سیاسی، اجتماعی از طریق انحصار رسانه‌ای، و چه در مناسبات اجتماعی با دیگران و چه در مسائل علمی. لذا دیگران را با همه سلايقشان به رسمیت می‌شناخت و خود و رأی خود را تحمیل نمی‌کرد. بنابراین صلح کل بود و گله‌گذار نبود، هرچند به طور غیر مستقیم تذکراتی را در راهنمایی‌های خود مستتر می‌داشت. دقیق بود و نظرات اصلاحی دیگران را می‌پذیرفت و بالاتر اینکه خود را در منظر رأی و نظر دیگران قرار می‌داد. در نتیجه برایش سخت نبود تا در کمال تواضع و تعادل، بگوید که اشتباه کردم یا نمی‌دانم! در همه حال قدر دان اساتید خود در مراحل گوناگون بود، چه هنگامی که از روحانی فاضل و با تقوای مدرسه جهرم، سید محمد احمدی نام می‌برد و چه زمانی که از ربیز و فلیس برون، پوپر و لاکاتوش و دیگران.

ضمن به کمال رساندن صفات آزادمنشی و راست‌قامتی در مواجهه با اصحاب

قدرت، آزاداندیشی اساتید و دانشجویان را لازمه ارتقای علم اقتصاد در ایران می‌دانست و آن را نه داده شده، بلکه محصول تعامل و تلاش اساتید با مسئولان دانشگاه می‌دانست. همچنین آزادی تحقیق را به لحاظ همه روشی و موضوعی برای اقتصاددانان و دانشجویان این رشته قائل بود. وطن‌دوستی او موجب می‌شد تا علی‌رغم مشکلات، چراغ دانش را در ایران عصر حاضر نیز زنده نگه دارد.

در سفر گر روم بینی یا خُتن از دل تو کی رود حب الوطن
به دنبال عدالت و کشف حقیقت از مراحل ابتدایی تا انتهای زندگی بود، لذا اهل جدال با باطن حق نبود و عدالت را معیار مناسبات اجتماعی و اقتصادی می‌دانست. آرزوی برتری جامعه عادلانه و بهبود حال طبقات پایین را در سر می‌داشت، گویی به دنبال مایات پایین را علامت و معیار اصلی جامعه عادلانه می‌دانست و محرومیت‌زدایی را از وظائف اساسی مغفول دولت‌ها بر می‌شمرد. بنابراین یک پرنسپدار و یک تکامل‌نشه‌وایی بود.

او که کلاس‌هایش را با طرح سؤال شروع می‌کرد، تأثیرگذاری استاد را ناشی از تدریس عاشقانه، معلومات وسیع در رسته مورد نظر و رشته‌های هم‌جوار، شروع آموزاندن از چشم یک پرنده، قدرت انتخاب دسته‌ای از بحث از حواشی، پرهیز آگاهانه از کاربرد افراطی روش‌های کمی (مثلاً در اقتصاد)، بیان روان و همراه با احساس، استعداد ذاتی، تمرین و اصلاح مداوم از طریق شنیدن امتادات، می‌دانست. همواره در حال رصد مسائل جاری جامعه و جهان بود، چرا که اقتصاد علمی در خلأ و محیط آزمایشگاهی نبوده و شناختن بسترهای نهادی و قیود گوناگون را زمینه‌ساز بهینه‌یابی بهتر می‌دانست. و گرنه بدون جامع‌الاطراف علمی اقتصاددان، اقتصاددان تبدیل به مهندس می‌گردد.

بی‌لیاقتی دولت در پیشگیری از مفاسد اقتصادی در میان فعالان اقتصادی خصوصی و حتی درون دولت را در چارچوب رویکرد انتخاب عمومی تحلیل می‌کرد و آزمون سلامت مالی و صداقت اخلاقی را در کنار آزمون مهارت برای دولتمردان لازم می‌دانست. از سوی دیگر بیان بوکانان که می‌گفت «دولت

اقتصاددانان را فاسد می‌کند» را دستمایه این قرار می‌داد که صرف حضور چند اقتصاددان، کلاف سردرگم سیاست اقتصادی را باز نکرده و این را از بزرگ‌ترین اشتباهات اقتصاددانان می‌دانست که باید چاره‌ای دیگر اندیشید.

در وظیفه خطیر انتخاب اساتید، به معلومات و مطالعات در زمینه‌های کلی و جزئیات اقتصادی، بیان خوب، استعداد پاسخ‌گویی به سئوالات و راهنمایی پژوهشی دانشجویان و رعایت موازین اخلاقی متذکر می‌شد. وظیفه استاد مشاور را این می‌دانست که اولاً خود درباره مسائل مطرح شده در رساله مطالعه کند و لاقلاً مقالات و منابعی را که در پروپوزال آمده، بخواند تا مشاوره حداقلی را بتواند بدهد. با وجود اینکه میان کار هر تئوری را به دانشجویان متذکر می‌گردید، اما آخرین توصیه‌اش به دانشجویان و اساتید این بود که دانشجویان اقتصاد در سال‌های محدود تحصیلی بیشتر تئوری بیاموزند و استادان بر مواضع علمی و پرهیز از مواضع سیاسی تأکید کنند.

خودش به قسم‌نامه‌ای که نوشته بود عمل می‌کرد: «اکنون که تحصیلات خود را به پایان رسانیده‌ام، به خوبی آگاهی دارم که مشاغل آینده‌ام، هرچه باشد، خواه در دوائر دولتی و بخش عمومی به عنوان اقتصاددان و مشاور اقتصادی و برنامه‌ریز، خواه در بخش خصوصی و شرکت‌های بازرگانی و صنعتی در جایگاه‌های کارشناسی و مدیریت، خواه در کار و کسب مستقل، یا به عنوان تحلیل‌گر اقتصادی در مطبوعات و رسانه‌ها و یا در هر مقام دیگری من جمله در بخش تعاونی که باشم، مسئولیت‌های اخلاقی و وجدانی سنگینی به عهده خواهم داشت و اعلام می‌دارم که این مسئولیت‌ها را با قید سوگند می‌پذیرم. بنابراین: سوگند یاد می‌کنم، برای تأمین هدف‌های استقلال اقتصادی ایران و رشد و رفاه اقتصادی کلیه هم‌میهنان در یک جامعه آزاد، تمام تلاش و کوشش خود را به کار برم. سوگند یاد می‌کنم، هر قدر که می‌توانم با بلایای اقتصادی نظیر بیکاری‌های وسیع، تورم طاقت‌فرسا و انواع فساد مالی و رانت‌خواری مبارزه کنم. سوگند یاد می‌کنم، فکر همکاری اقتصادی با دیگر کشورها همراه با حفظ احترام و منافع متقابل را با نهایت جد و جهد ترویج نمایم و

برای رفع فقر و تأمین عدالت اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی تلاش کنم. سوگند یاد می‌کنم، دانسته‌های علمی خود را همیشه به روز نگاه دارم، پیشرفت‌های علم اقتصاد را دنبال کنم و با سلاح دانش، خود را برای مواجهه با چالش‌های جهانی شدن اقتصاد در قرن بیست‌ویکم آماده سازم. و بالاخره سوگند یاد می‌کنم، در همه مسئولیت‌های آینده، دقت، امانت، درستکاری و بیان حقایق را وجهه همت خویش قرار دهم و این خصائل انسانی و اخلاقی را در برابر هیچ وسوسه‌ای رها نسازم.

ان شاء الله! اساتید و دانشجویان عزیز، جویای این نوع الگوها که کم هم نیستند، باشند که فرمود. و فی‌ایام: رکم نفحات.

در پایان لازم می‌دانم در رحمت همسر مکرمه استاد سرکار خانم سیده فتانه میرکمالی، جناب آقای دکتر اخگر بهرمی و پیگیری‌ها و مساعدت‌های آقایان حجج اسلام ابراهیمی و احمد دینی، از بزرگ‌مشگاه حوزه و دانشگاه و مسئولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مراتب تشکر و قدردانی صمیمانه خود را ابراز دارم. نشر این ترجمه باون پشتیبانی بی‌دریغ ایشان و ایجاد انگیزه مثبت برای مترجم که به ملاحظات انتشار انگیزه‌ای برای انتشار آن نداشت امکان نمی‌یافت. در پناه رفیق اعلی باشید.

ابوالفضل یاسبانی

عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی

دی‌ماه هزار و سیصد و نود و چهار خورشیدی